

عبدالرقيق حقیقت (رفیع)

نهضتهاي ملي اiran

(۹۶)

ظهور و تأسیس دولت غزنویان

در دوره حکومت عبدالملک سامانی یکنفر غلام ترک بنام آپتکین فرمانده کل نیروی خراسان گردید و بعد از مرگ عبدالملک به کوههای سلیمان در غزنه که در آنجا پدرش فرماندار بود رفت، و در همان حوزه، کوچک به فرمانروائی پرداخت. این مرد و پسرش و نیز غلام وی بلغ تکین هر کدام به نوبت ولی در درابهام و گمنامی حکمرانی کردند. موسس واقعی سلسله معروف غزنویان که در صحنه سیاست ایران نقش مهمی داشته‌اند سبکتکین یکنفر غلام دیگر ترک بود. او دختر آپتکین را به جباله نکاح خود درآورد و از این راه به مقام فرماندهی و سلطنت رسید. این شخص مبرزنامی حوزه محرخرخیش را دراندک زمان از طرف غرب و شرق توسعه داد و از یک سمت راجپوت‌ها را شکست داد و پیشاور را بتصرف درآورد و از سمت دیگر چنانکه درورقهای گذشته این تالیف نوشته شد خراسان را در سال ۳۸۴ هجری از دست نوح پادشاه سامانی خارج کرد. این سردار شجاع ترک پس از چند بار چنگ و غلبه بر متقدان محلی حوزه قدرت خود را وسعت بخشدید و بلغ را به پایتختی برگزید. پس از مرگ سبکتکین پسر بزرگش محمود به فرمانروائی دولت غزنویان رسید. سبکتکین در ایام بیماری

فرزند کوچک خود اسماعیل را بجانشینی برگزید ولی دوران پادشاهی او فقط ۷ ماه طول کشید، زیرا بزرگان و متنفذان محلی از اسماعیل اطاعت و تبعیت نمیکردند، محمود که در لشکر کشی فردرایقی بود از این وضع آشفته استفاده کرد و قوای خود را به غزنین بردو حکومت این ناحیه را بدست آورد و آنجا را پایتخت کرد، بهمین جهت سلسله غزنیان به غزنین (یکی از شهرهای افغانستان کنونی) منسوب است.

چنانکه درورقهای گذشته این تأثیف نوشته شد در ایامی که حکام خراسان بر ضد نوح قیام کرده بودند سبکتکین و محمود به یاری او برخاستند، سبکتکین را ناصرالدین و پسرش را سیف الدین لقب داد. موقعی که محمود غزنین را فتح کرد، منصور بن نوح سامانی محمود را از حکومت خراسان خلع کرد. محمود در آن موقع مخالفتی نکرد، ولی همینکه منصور کور شد. محمود نیروی خود را بجانب خراسان حرکت داد و در هنگامی که حکومت سامانیان از طرف قراختائیان مورد هجوم قرار گرفته بود از جنوب حمله کرد و خراسان را از تصرف آنها درآورد. محمود از شخصیت‌های مهم صحنه آسیای مرکزی در قرن پنجم هجری بشمار می‌رود وی دوازده بار به هندوستان لشکر کشید و این لشکر کشیها و نیز جوش و حرارت‌ش تحت عنوان (برای اسلام لقب (بت شکن) را برای او تحصیل نمود.

اوضاع اجتماعی ایران در دوره حکومت محمود غزنی

سلطان محمود بیشتر دوره حکومت سی ساله خویش را به لشکر کشی گذراند، هدف این لشکر کشی‌ها نواحی شمالی هندوستان بود و به نام جهاد با هندوان

(بیت پرست) و نشر اسلام صورت میگرفت. محمود دوازده یا هفده بار بدانصورت لشکر کشید و مرزهای نخستین متصرفات خود را توسعه داد. این جنگها بطور معمول با غارت بی سابقه نواحی تسخیر شده و حمل ثروتهای کلان به پایتخت (غزنه) و انتقال صدھا هزاربرده به آنجا توأم بود. ثروتهای غارت شده به محمود اجازه داد که شهر کوچک غزنه را به یکی از پایتخت‌های زیبا و درخشان آن عهد مبدل کند. این مطلب جالب توجه است که محمود تعامل زیادی به این داشت که از طرف خلیفه عباسی که رئیس مذهبی بشمار میرفت به رسمیت شناخته شود، بهمین جهت شرح فتوحات خود را با تحف و هدایای نفیس و گرانبهائی به عنوان پیش کش به بغداد میفرستاد و در عوض القابی به او اعطاء میشد که بی‌نهایت موجب خشنودی وی میگردید. علاوه بر این موضوع که جنبه فکری و تبلیغ مذهبی و ظاهر فربی دارد بیشتر موقفيت‌های سلطان محمود مرھون سازمان نیروهای جنگی میباشد، لشکر غلامان ترک زرخربند مانند عهد خلافاً سامانیان هسته مرکزی و اساس نیروهای جنگی محمود را تشکیل میداد، ولی محمود برخلاف زمان گذشته تو انسه بود نظم و نسق ساختی را میان ایشان برقرار سازد. لشکر غلامان وسیله‌ای بود که محمود به یاری آن موفق به لشکر کشی‌های مظفرانه و وسیع گردد و در عین حال توده‌های مردم را در متصرفات وسیع خویش در حال اطاعت و انقیاد نگاهدارد.

محمود گذشته از لشکر غلامان ترک ازدواج طلبانی که به اصطلاح «غازی» یا مبارزان راه دین نامیده میشدند نیز بطور کامل بمنظور لشکر کشی‌های غارتگرانه و جهانگشاپیهای خویش استفاده میکرد. جلب عده‌ای کثیر از «غازیان» به نیروهای جنگی تنها جنبه نظامی نداشت بلکه در عین حال سیاست اجتماعی معینی بود که محمود تعقیب میکرد. دولت محمود با جلب روستائیان بی زمین

به صفووف غازیان و فریب ایشان به امید کسب ثروت از غنایم جنگی هندوستان که در واقع جز مشتی از خروار نصیب آنان تمی گشت می کوشید تناقضات طبقاتی را محو و نارضائی عامه مردم را تقلیل دهد نهضت غازیان میباشد کاریک مجرای انحرافی و دریچه اطمینان را انجام دهد و جلدی ترین عناصر مردم استثمار شده زحمتکش شهر و روستا را منحرف کند ووارد مسیری که برای قدرت فتووالی سلطان محمود خطرناک نباشد برگرداند. غازیان پس از لشکر کشی در مرزهای نواحی تسخیر شده باقی ماندند، یا با اموال غمارت شده به میهن بازمی گشتند و شریک واباز دستمزدهای مشروع میشنند. اما راجع به عامه مردم زحمتکش روستاهای و شهرهای کامیابیهای جنگی سلطان محمود وزرق و برق درباروی نه تنها وضع اینان را بهتر نمیکرد، بلکه دشوار تر میساخت. غنایم حاصله از لشکر کشیها هرقدر هم زیاد میبود هرگز نمیتوانست هزینه های هنگفت نگهداری و اشتها روزافرون مخالف درباری و سران نظامی و فتووال را جبران وارضا کند. سنگینی بار مالیاتها افزایش یافت زیرا برای تدارک مقدمات تهاجم به هندوستان بطور دائم مالیاتهای فوق العاده گرفته میشد. حتی وقایع نگاران درباری هم ناگزیر نوشتند که هنگام اختتمالیات (رعایارا مانند گوسفندان پوست میکنند) مورخان مینویستند که بسیاری از روستاهای و حتی نواحی خالی از سکنه شده. مجاری آبیاری ویران و مترونک گشت و سبب این وقایع را فقط افزایش میزان خرج و سوء استفاده ها و رشوه خواریها و سخت گیریهایی که مأموران هنگام وصول آن معمول میداشتند میتوان دانست. مطالبی که غیرقابل انکار میباشد اینست که در زمینه حیات سیاسی آن دوران، سلطان محمود بی شک از لحاظ نیرو و صفات ممتازه فرماندهی امیری جدی و شایسته و بر جسته بود.

پاينخت زيباي دولت وى از همه جانب گاروانهای بازرگانان را جلب ميکرد و صنعتگران چيره دست در آنجا هنرنماي ميکردنند از تذكراين نکته نيز ناگزيريم که در دوران حکومت محمود پيش فتهائي در زمينه فرهنگ و تمدن بدست آمد ، ولی در عين حال نباید در ارزياي پديده هاي مثبت مزبور زياده روی کرد ، زيرا که اينها نمای ظاهر ساختمان دولت غزنويان در دوران شفقتگی وقدرت آن بود . در پشت اين نمای فريبنده نارضائي عميق مردم از شيوه اداري که موجب فقر و بینوائي آنان شده بود ، تصاده هاي حادا جتماعي به نحو بسیار با رزي پنهان بود . چنانکه خواهيم ديد ضعف اجتماعي شيوه حکومتی فاسد سلطان محمود مقنده روظماع به زودی پس از مرگ وی در عهد پسرش مسعود ظاهر شد و اساس سلطنت تو خالي غزنويان در اندک زمان برباد داد .

اقدامات سیاسي سلطان محمود غزنوي در ايران

بطوريکه ديديم در اوخر قرن چهارم هجری محمود غزنوي فرد شاخص عرصه سیاست مشرق ايران محسوب ميشد موقعی که قسمت ماوراء النهر از سر زمین سامانيان بدست فراختایان افتاد محمود غزنوي بر آن شد که قسمتهاي جنوبي رود جيحون را که تا آن زمان هنوز به عنوان والي در تصرف داشت به دولت خويش بيفزايد . در همين زمان حمله طاهر پسر خلف بن احمد فرمانرواي سیستان به کوهستان و پوشنگ و متعاقب آن تصرف کرمان که بهاء الدوله ديلمي وی را دوباره از آنجا راند ، به نبرد آشكاری ميان پسر و پدر منجر گشت و طاهر بگانه فرزند خلف بن احمد سرانجام بدست پدر خويش به قتل رسيد (يادر زندان مجبور به خودکشی گردید) (چهارم جمادی الاولی سال ۳۹۲ هجری) و در نتيجه

این عمل وضع خلف بن احمد ناپایدار و متزلزل گشت ، بطوری که محمود غزنوی توانست سرزمینی را که در اختیاروی بود با موافقت ساکنانش بدون رنج و دشواری قابل اعتنای تصرف کند و به قلمرو حکومت خود ملحق سازد قیامی هم که اندکی پس از آن بر ضد والی وی برپاشد نیز سرکوب گردید (ذی الحجه سال ۳۹۳ هجری) و سپس آن سرزمین بدست برادر این فاتح یعنی نصر که در نیشابور بود سپرده شد ۱

سلطان محمود به سبب اتحادش با ایلگ خان خود را از جانب شمال آسوده خاطر یافت و به همین جهت اقدامات نظامی خود را متوجه هندوستان کرد (از سال ۳۹۲ هجری) این اقدامات تمام قوای او را به غنایت مشغول ساخت ولی در مقابل نام محمود غزنوی نیز با تسخیر و مسلمان کردن (تاخت زیادی به اجبار) قسمت اعظم پنچاب ، زبان زد خاص و عام گردید . استقرار و تثبیت قطعی مذهب اسلام در هندوستان و در نتیجه تدارکات پایگاهی برای ازدیاد پیروان پیغمبر اسلام (ص) در این کشور از اعمال تاریخی محمود غزنوی به شمار میرود که تا امروز هم اثر آن باقی است .

برادرکشی درین توکان

اگر چه سلطان محمود غزنوی میباشدی با این عمل بی شک به عنوان برجسته‌ترین مجاهد مذهبی زمان خود تلقی شده و طبق عقاید مسلمانان از حملات مسلمانان دیگر مصونیت داشته باشد ولی قرقهای ترک که تازه به دین اسلام گرویده بودند به رهبری ایلگ خانهای خود از پیش روی به این سوی جیحون

۱ - زین الاخبار گردیزی صفحه ۶۳ و ۶۶ - عتبی ترجمه تاریخ یمینی صفحه‌های

۲۴۷ تا ۲۵۷ - تاریخ سیستان صفحه‌های ۳۴۵ تا ۳۵۷

(یعنی به سرزمین تحت تصرف سلطان محمود غزنوی) خود داری نکردند و بدین ترتیب افکار دینی ترکهای متعصب و علاقمند به دین نیز دیگر با عملشان تطبیق نمیکرد. اما به همان میزانی که این پیکار داخلی دامنه دار مسلمانان برای دینداران واقعی آن زمان دردناک بود به همان اندازه نیز از این رو به سود پیشرفت و تکامل ایران اهمیت داشت، که برادر کشی در میان ملت ترک نیز راه یافت و سبب شد که از نفوذ و ورود خارج از حد ترکها در داخل ایران جلوگیری گردد، در نتیجه ایران (برخلاف ماوراء النهر - ترکستان) بخصوص به علت مذکور همانطور که بود، یعنی به صورت یک کشور آریائی باقی ماند (۱)

سپاه غزنویان طبق دستور از مقابل حمله ترکهای جانب غزنه عقب نشست و هرات را تا بازگشت محمود از ملتان به دشمن واگذاشت، محمود از غزنه به پادگان قراخانیان در بلخ حمله برد و پادگان بلخ تاب مقاومت نیاورد و از جیحون گذشت و به سوی ترندهای خیخت، در این حال اسلام ایلگ نیز ناگزیر به سازگشت شد و چون در ضمن راه در نتیجه حمله سپاه های غزهای ترک ضعیف شده بود از لشکریان غزنویان سخت شکست خورد و در اثر این تصرف خراسان برای سلطان محمود نامیں گردید (۲) دفع حمله دوم ارسلان ایگ و بکی ازملوک قراخانیان از ختن به نام قدرخان پسر بغراخان در سواحل جیحون (۲۲ ربیع الثانی سال ۳۹۸ هجری) نیز قطعیت وضع محمود غزنوی را در خراسان ثبیت کرد به ویژه از این جهت که در این اوقات جنگهای برادرکشی قراخانیان شروع شده بود (۳) جنگهای که تازه با بر سر کار آمدن پادشاه تسازه‌ای پایان یافت (۴۰۳ هجری)

۱- ستاریخ ایران در قرون نخستین اسلام تالیف بر تولد اشبولر آلمانی ترجمه دکتر

جواد فلاتپوری صفحه ۳۰۱

۲- زین الاخبار گردیزی صفحه ۶۸ و کامل این اثیر جلد نهم صفحه ۶۵

۳- کامل این اثیر جلد نهم صفحه ۷۶

بدر کود هر دمکندر مغرب ایران

در روزهایی که وضعیت شرق ایران در آرامش نسبی مسیر خود را طی میکرد و سلطان محمود غزنوی برای بار دوم متوجه هندوستان شده بود کشمکشهاي قسمت غربی فلات ایران ادامه داشت و این رو شدت میباشد که فرمانروایی کردی بنام بدر پسر حسنیه بصورت عامل شایان توجیهی در آمده بود ، بدر در سال ۳۹۶ هجری در البدن نیجین (واقع در مشرق بغداد در سرحد جبال) سپاه بهاء الدلوه دیلمی را شکست داد و در سال بعد تا دجله پیش رفت و در آنجا قلعه البردان را در شمال بغداد به تصرف در آورد. در این هنگام بهاء الدلوه دیلمی ناگزیر به انجام اقدامات نظامی متقابل گردید ، اما سرداری (عمید الجیوش) که برای این کار و کالت و ماموریت تام یافته بود درگندی شاپور از ترس با این سردار کرد مقندر یعنی بدر قرار داد متارکه منعقد ساخت این قرارداد به بدر فرصت داد که اندکی بعد از آن در کشمکشهاي خانوادگی آل بویه (دیلمیان) مداخله نماید یعنی در تحریکات با نویلده خاتون (شیرین) نایب السلطنه در ری که دو پسرش مجده الدلوه و شمس الدلوه را به نوبت به عنوان حاکم منصوب نموده و به زندان اندخته بود شرکت جوید . بدر برای این منتظر سپاهی در اختیار سیده خانون گذاشت اما نتوانست همدان را که سر - انجام شمس الدلوه به آنجا گریخته بود تصرف کند و خود را در قم پایدار سازد . در این موقع قدرت کردها درنتیجه اختلاف بدر با پسرش هلال بسیار ضعیف گردید ، زیرا بدر مادر هلال راهنگام تولدش ترک کرده و پسر دوم خویش ابو عیسی را بر وی برگزیده بود ، نتیجه این اختلاف چنین شد که سرانجام بدر بدست پسر خود هلال اسیر شد و ناگزیر گشت که قدرت خود را میان دو پسرش تقسیم کند . ولی پس از آنکه از اسارت رهایی یافت و خواست از تعهد خود

سریاز زند دو باره نزاع اتفاق افتاد ، در ضمن این کشمکش ابو عیسی بدست برادرش هلال به هلاکت رسید . و هلال نیز خود به اسارت بهاءالدoleh دیلمی که به آنان حمله نموده بود افتاد و سپس مورد عفو واقع شد (۱) و منطقه حکمرانی وی بتصرف فاتحی که در این هنگام موقع و وضع بهتری در برابر پدر اسیر مذکور (هلال داشت در آمد . در رجب سال ۴۰۴ هجری نوء بدر یعنی طاهر بن هلال برای استیلا بر شهر زور بر ضد خویشاوندان خود پیکاری بر پا کرد و خود بدر نیز اندکی پس از آن در اثنای محاصره قلعه کردی (حصن کوسحد) بدست امیران خویش به قتل رسید (۴۰۵ هجری) زیرا وی بر خلاف میل و نظر ایشان میخواست در زمستان بجنگند . قاتلان بدر به فخر الدoleh دیلمی پیوستند و بسیاری از سایر اعضای این خاندان بر سر میراث بدر بایکدیگر به نزاع برخاستند ، هلال نیز در این موقع آزاد شد ولی در ذیحجه سال ۴۰۵ هجری در جنگی از پا در آمد و نتیجه خطر وحشت زای تشکیل دولتی از طرف کردها (برای خلافت عباسیان و همچنین دولت غزنویان که در حال توسعه بود و دولت آل بویه (دیلمیان) که رو به زوال میرفت) از میان برداشته شد . (بقید در شماره آینده)

در حدود قرن ششم ق . م فلاسفه و متفکرین عقلانی یونان از دائره اوهام و تصورات شعریه آن دوشاعر قدمی فراتر نهادند و دیگر در برابر خدایان مجسم مصوب بصورت انسانی سرتسلیم فرو نیاوردند . سocrates پدر فلسفه در آتن خلق را بمعنویات دعوت کرد و پس از او شاگردش افلاطون و پس از او ارسطو ، آنان حکماء الهی روحی بودند که خلق را بتفکر در فلسفه متافیزیک (ما فوق الطیعه) راهنمائی کردند .

(تاریخ ادیان)